

توقیف نفتکش نفتکش توقیف



تو «قیف» شدیم!

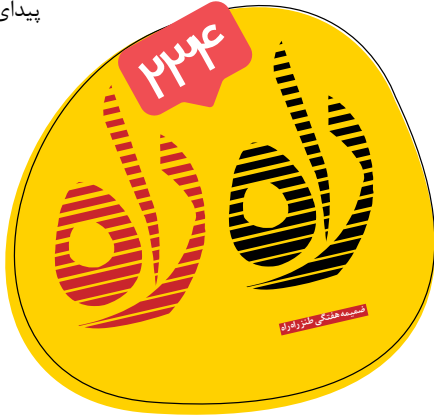
از: فرمانده نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا
به: رئیس‌جمهور بایدن

پرزیدنت بایدن! امیدوارم در صحت کامل و در محیطی آرام و بدون هرگونه صدای اضافه به‌سر برید. ما تمام تلاش‌مان را برای دوباره رای آوردن شما انجام می‌دهیم و در تلاشیم امتیازات دریایی فوق‌العاده‌ای را به دست آورده تا علی‌رغم ادعای ترامپ، آبروی کشور، از بین نرفته و آمریکا از مسیر فروپاشی، دنده عقب بگیرد. در چند روز گذشته دو عملیات غرورآفرین را پشت سر گذاشتیم. البته میزان آفرینش غرور در عملیات شماره دو به میزان معنابهی از عملیات شماره یک کمتر بود، که البته در عرصه رویارویی با ایرانی‌ها طبیعی است. در اینجا چند نکته مهم در ارتباط با این عملیات‌ها ارائه می‌شود.

۱- در عملیات شماره یک، سربازان ما با موفقیت تمام توانستند نفتکش «سوژ راجان» را که نفت خام ایران را به چین می‌برد، مجبور به تغییر مسیر کرده و آن را با قدرت تمام تصاحب کنند. از آنجا که درگیری‌های سابق میان دو کشور ایران و ایالات متحده، عموماً شرایط جوی به نفع ایرانی‌ها بوده و

سربازان ما با غافلگیری، رودست می‌خوردند، لذا قبل از آغاز عملیات، تمامی شرایط جوی را طی یک سال قبل و شش ماه بعد بررسی کردیم که امکان هرگونه بازندگی و توفان دریایی، سونامی، زلزله، سیل دریایی و توفان شن طبرس را در منطقه عملیاتی رد می‌کرد. توقیف این نفتکش در راستای نشان دادن ایران سر جایش بود، چرا که این اواخر خیلی مدعی بودند که تحریم‌ها برای‌شان بی‌اثر شده و آن را هیچ می‌انگاشتند. لذا در حال دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت به چین، غافلگیرشان کردیم و یکی زدیم و در رفتیم. قدرت دریایی ما به حدی زیاد است که با تیزهوشی، رادارهای نفتکش مورد نظر را نیز خاموش کردیم تا بعد از در رفتن، پیدای‌مان نکنند و یک وقت دچار ضربه ملازم مغزی نشویم.

۲- در عملیات شماره دو نیز همانند شماره یک، افتخار آفریدیم. البته افتخاری که در این عملیات آفریدیم، با افتخار قبلی تفاوت اندکی داشت. توضیح این تفاوت با زبان فارسی سخت اینگونه است که به معنای واقعی کلمه، شکت شدیم. این نفتکش علی‌رغم ظاهرسازی با پرچم جزایر مارشال، باز هم توسط ایرانی‌ها شناسایی شده و توسط آنها به امانت گرفته شد. در حین انجام عملیات شماره دو، بارها تلاش کردیم ببینیم چه گلی باید به سر بگیریم تا از این آبروریزی خلاصی یابیم، تا ایرانی‌ها نیز بفهمند دنیا دست کیه! در این راستا



چندبار تهدید کرده و گفتیم سمت ما نیاید اما به علت بوی زیاد مواد نفتی، محموله نفتکش موردنظر را برای مدتی از خودمان دور کرده و به نیروهای ایرانی سپردیم یا به عبارت دیگر ایشان، ادعا کردند نفتکش را به زور از ما امانت گرفتند. هرچند برنامه ما اینگونه بود که طی دو مرحله بزنییم و بعد از آن در برویم، منتها طی یک عملیات پیچیده نظامی، زدیم و در مرحله دوم به جای اینکه در برویم، مثل چیز در باتلاق گیر افتادیم.

با توجه به اتفاقات مکرر در منطقه خاورمیانه و علی‌رغم اینکه امید اسرائیل و اعراب هستیم، لکن حضور ما در این منطقه روی اعصاب ایرانی‌ها است و چشم دیدن ما را ندارند. لذا پیشنهاد می‌شود یا از خلیج فارس جمع کنیم و برویم یا بعد از این عملیاتی جهت گرم ریختن به منافع ایران انجام نشود. همان‌گونه که مستحضردید آنها قصد برداشتن دست‌شان از روی سر ما را ندارند و ول کن ماجرا نیستند.

در آخر لازم است این نکته را هم عرض کنم که اگر برای‌تان سوال پیش آمده که چرا نامه را به زبان فارسی نوشته‌ام، باید بدانید خدمتگزاران شما در ناو حاضر در خلیج فارس، زبان مادری خود را فراموش کرده و همگی فارسی صحبت می‌کنند.

عزت زیاد



چالش مصراع سوم

توقیف نفتکش آمریکا

اگر ممکنه جون بجاتا بده
تو راه خدا مام کنیم فایده
نخوانده، ندیده تو هر چی بگی
خودم می‌دونم کلهم وارده

نخوانده، ندیده تو هر چی بگی
منم گر چه استاد پرچونگی
ببین در عوض می‌شوم چاکرت
که دیگر نیفتیم به آوارگی

ببین در عوض می‌شوم چاکرت
تو اصلاً سواری و چاکر خرت
تویی حاکم مطلق آبراه
تگیره یهویی برم به پرت

تویی حاکم مطلق آبراه
منم آن زمین خورده روسیاه
بیا و به من راه دررو بده
نینداز من را ز چاله به چاه

بیا و به من راه دررو بده
و این امتیازو به ناتو بده
بزرگی کن ای امپراتور شرق
دوباره به من آبرومو بده

بزرگی کن ای امپراتور شرق
بگو بین ما و سعودی چه فرق
ببخش از بزرگی که شرمنده‌ایم
نشاید به این وجه گردیم غرق

بخش از بزرگی که شرمنده‌ایم
که از روی اجبار رزمنده‌ایم
نمانیم در این جهان بیش از این
چو تایتانیک از آب آکنده‌ایم

نمانیم در این جهان بیش از این
ترحم نما این دم واپسین
شده عمرمان طی بدین اضطراب
که ایران چه دارد توی آستین!؟

فرشته پناهی
فلزه اکبری

هفته‌های

تو به شک هفته

توریز هفته

Oh my God هفته

اخراجی‌های هفته

دودوتا، چهارتای هفته

نوستر آناه‌موسی هفته

آتش برکله‌گراف‌گو

سببیت پرتکالیه (پرتغالی‌ها) در بلده هرموز (هرمز) را بدین عنوان ایراد نموده‌اند که به سفاین خود بحار را پیموده، به‌طریق جهان‌گشایی هر قسمت از ارض را که مطلوب طبع الزوانه ایشان می‌گشت، به محاربه و آتش‌باریدن قله‌و کن نموده، از جهاز هاضمه خود گذرانیده، اشربه پرتقالین رویش می‌نوشیدند. چون «آلفونسو آلبوکرکه» ملاح به هرموز رسید، از مشاهدت این بلده ذی‌قیمت، شکت از سر خاک‌برسروش بریده، مغزینش سراسر فرمان غارت و کشتار شده، هرموز و قشم و بحرین و بندر گمبرون (بندر عباس) را به ارت پدرو سلطان امانوئل خود ملحق نمود. پس از آن، پرتکالیه در خلیج‌فارس زیاده از صد سال آواز «کی از همه پدنگ‌تره؟! من! من! من! گرفتار کرده، تخراب آن بلاد را به خاک بوار انداخته، خراج فراوان از مردم ستانده، نسخه جهان‌خواری و درندگی مختص قوم نابکار خویش را به پرموکس ارتقا دادند.

شاه‌عباس از این اراده در خاطر رسوخ داشت که کله‌پاچه این تاملیل توحش را بار گذاشته، بدهد سگ بخورد، لیکن به‌سبب مسائل فنی، این مهم، مستبعد و دور از کار می‌نمود. جماعت روباه‌صفت انگلیسی را اخبار نموده، به‌وعده تسلیم تجارت‌بریشم در هرموز، مسائل فنی سفاین و توپ جنگی را مرتفع نمودند. القضا امام‌قلی‌خان، بیگلربیگی فارس، با جنود قاهره فارس، سعی موفور به‌ظهور آورده، قشم و بندر گمبرون را گندزدایی نموده، از راه دریا با سفاین انگلیسی بر جزیره هرموز درآمد، معرکه حرب‌وقتل راه انداخته، جراثیم پرتکالیه را از هرموز چخ نمودند. در پیش‌گویی‌ها گفته‌اند که مردمان شجاعت‌شمار و غیور آینه‌چون خبر بهجت‌اثر اخراج جراثیم پرتکالیه از هرموز را بشنوند، آن روز مبارک که این خجستگی در آن حاصل آمد را «روز ملی خلیج‌فارس» نام کنند و بر این نمط اهتمام ورزند که کله هر کس را که لاف گراف بزند و دعوی مالکیت خلیج‌فارس کند، آتش بزنند.

بوعلی‌اکشن

بارالها تو خود خبر داری از من و از شرایط کاری شرم دارم به محضرت بزمن باز هم حرف‌های تکراری در میان خلایقت تو مگر از معلم صبوتر داری؟ البته می‌رسد ز محضرتان بنده‌ها را مکرراً یاری محض لبخند یک دو خط گویم ماجراهایی از گرفتاری؟ وقت تصحیح برگه‌ها تا صبح چه کشیدم برای بیداری وقت تدریس هم که می‌گویم آب را در هاونگ پنداری اولیاه‌شان که پیچه آوردند بوعلی یا حسایی انگاری بوعلی و حسایی اکشن از شعور از ادب به‌کل کاری بچه‌اند البته خودم دانم لیک تا کی فقط رواداری؟ یارب این غم بسی دراز بود شکر گویم تو را که غمخواری به همین میز و صندلی‌ام قسم نیستم اهل گریه و زاری تا منم بر در تو آویزان نشوم اهل ذلت و خواری کمکم کن رهی به‌در برم از دل این‌همه گرفتاری یاری‌ام ده که دیر هی نکنم در ترافیک سخت اجباری دم درب کلاس لطفی کن ببر از یاد من بدهکاری کن کلام مرا چنان نافذ نشنوم وزوزی و گفتاری تا به این بچه‌ها بیاموزم خصلتی، دانشی و کرداری ببرم چند گام‌شان به جلو قدمی در مسیر همکاری مملکت را برای خود ببندد یاد گیرند مملکت داری بر شوند آنچه را که می‌خوانم خوب می‌دانم البته آری نرود میخ آهنین در سنگ مرحمت کن دریل اگر داری

مشاوره با قیمت لاکچری

مشاوره آنلاین روح‌گستر، در خدمتتون هستیم + سلام خانم مشاور! می‌خواستم ازتون تشکر کنم. - سلام. به چه دلیل؟ + من تا الان چند سری برای مشاوره بهتون مراجعه کردم. از همون لحظه‌ای که نوبت مشاوره گرفتم مشکلم با خانمم سر کنترل تلویزیون فراموشم شد. - واقعا؟ + بله تازه اون ترندتون که قبل از شروع مشاوره قرارداد بیست جلسه مشاوره رو باهامون می‌بندین، این خودش خیلی بیشتر باعث شد که مشکلاتم رو فراموش کنم. - به به! خیلی خوشحالم که روش‌های درمانی‌ام تو بنده‌ها اثر کنه و حالتون خوب بشه. + فقط به چند وقتی هست که به به مشکل جدید برخوردم. البته چیز مهمی نیست. نه اینکه شما گفتید در بند مادیات نباش واسه همین زیاد واسم اهمیت نداره. ولی اون نوعی که مادی‌گرایی بی‌خرم نمی‌ذاره من با خیال راحت به مادی‌گرایی اهمیت ندم. - از کسی طلب داری؟ + نه. کسی از من طلب داره. - خب طلبش رو باید بدی دیگه. من چه مشاوره‌ای می‌تونم بهت بدم؟ + خانم مشاور حقیقتش از وقتی که به خاطر پرداخت هزینه‌های مشاوره مجبور شدم از باجناقم یواشکی پول قرض بگیرم همه مشکلاتم رو فراموش کردم و دارم به این فکر می‌کنم که چجوری باید آبروی ریخته‌مو جمع کنم. - یواشکی پول قرض گرفتن که آبروریزی ندهد. + نه آخه خودشم نمی‌دونست که من یواشکی ازش پول قرض گرفتم ولی الان فهمیده، شما می‌کید چیکار کنم؟ - ببینید مشکل شما به مقدار پیچیده‌ست و نیاز به جلسات فوق‌پیشرفته داره. این جلساتی که تا الان گذروندیم پیشرفته بود. شما به پنج تومن بزمن به همون شماره حساب قبلی. رسید رو که فرستادی شروع می‌کنیم جلسه رو... روز خوش...



ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: اعظم‌سادات موسوی
دبیر سرویس شعر: عباس تافته
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفه‌دار: علی شهبازی

راه‌های ارتباطی: @ @ @ @ @
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!



فرانک هوگریتس هلندی که خبر از وقوع زلزله‌ای بزرگ در غرب ایران را مطرح کرد. تازه داشتیم به پیش‌بینی‌های برعکس هواناسی عادت می‌کردیم که زلزله هم به آنها اضافه شد.

محاسبه دستمزد رضا عطاران برای بازی در سریال خانه‌دوش، که ۲۰ سال پیش معادل ۹۰۹ سکه تمام بود و احتمالاً برای ساخت فصل دوم این سریال و پرداخت دستمزد این بازیگر، مالکیت صداسیما باید به بانک مرکزی واگذار شود.

۱۵ مدیری که در سفر رئیس‌جمهور به خوزستان، از یادخوری زیر کولر محل کار، به یادخوری زیر کولر منزل، ارجاع داده شدند.

تعجب ژنرال مکزی آمریکایی از قدرت پهبادهای ایرانی. او در حالی که چشمانش قلبی شده بود، به نشانه احترام، خواست کلاه از سر بردارد، که دید کلاهش را یاد برده و به تعظیم اکتفا کرد.

ادوات جنگی بی‌مصرفی که ایتالیا و اسلواکی و لهستان، به او کراین داده‌اند. شده قضیه تعارف‌کردن مامان‌ها که: «بخورید نمونه، اگه بمونه باید بریزم سطل زباله».

رئیس باشگاه النصر که مردد است دو سیخ کبابی که سالیان قبل، به‌جای سه سیخ تحویلش داده‌اند دردت بیشتر بوده، یا جذب کریستین رونالدو با آن مبلغ نرسام‌آور.

ببین در عوض می‌شوم چاکرت
تو اصلاً سواری و چاکر خرت
تویی حاکم مطلق آبراه
تگیره یهویی برم به پرت